****

[دو مساله از رمی جمره عقبه 1](#_Toc489201538)

[مساله اول: وجوب استنابه عاجز در رمی جمره 1](#_Toc489201539)

[مساله دوم: وجوب استنابه برای کسی که در اول روز قادر به رمی نیست 3](#_Toc489201540)

[قول محقق خوئی ره 3](#_Toc489201541)

[مناقشه 3](#_Toc489201542)

[واجب دوم: ذبح یا نحر در منی 4](#_Toc489201543)

[جهت اول: وجوب هدی در حج تمتع و استحباب آن در حج افراد 5](#_Toc489201544)

[کلام شیخ طوسی ره: عدم وجوب هدی بر حاجی مکی 6](#_Toc489201545)

[مناقشه در کلام شیخ طوسی ره 7](#_Toc489201546)

**موضوع**: رمی جمره /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## دو مساله از رمی جمره عقبه

### مساله اول: وجوب استنابه عاجز در رمی جمره

عاجز از رمی جمره عقبه در شب و روز عید باید نائب بگیرد، در صحیحه معاوبة بن عمار و عبد الرحمن بن الحجاج آمده است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَسِيرُ وَ الْمَبْطُونُ يُرْمَى عَنْهُمَا- قَالَ وَ الصِّبْيَانُ يُرْمَى عَنْهُمْ.[[1]](#footnote-1)

در معتبره اسحاق بن عمار هم آمده: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى ع عَنِ الْمَرِيضِ- تُرْمَى عَنْهُ الْجِمَارُ قَالَ نَعَمْ- يُحْمَلُ إِلَى الْجَمْرَةِ وَ يُرْمَى عَنْهُ- قُلْتُ لَا يُطِيقُ قَالَ يُتْرَكُ فِي مَنْزِلِهِ وَ يُرْمَى عَنْهُ.[[2]](#footnote-2)

ظاهر معتبره این است که اگر بشود مریض را کنار جمرات ببریم و در حضور او نائب رمی کند، این کار لازم است و لکن اصحاب آن را بر حکم استحبابی حمل کرده اند و شاهدش این که دیگر روایات هم از این قید خالی است.

کما این که احتمال ارتکاز متشرعی نیز مانع از احراز ظهور در وجوب می شود.

صحیحه رفاعة: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُغْمِيَ عَلَيْهِ فَقَالَ يُرْمَى عَنْهُ الْجِمَارُ.[[3]](#footnote-3)

صحیحه حریز: وَ عَنْهُ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‌ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُطَافُ بِهِ وَ يُرْمَى عَنْهُ قَالَ- فَقَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَ لَا يَسْتَطِيعُ.[[4]](#footnote-4)

در مناسک حج آیت الله زنجانی آمده نیابت در رمی جمره نیاز به استیذان منوب عنه ندارد و تبرعا هم مجزی است، به شرط این که بعدا راضی به آن شود، ولی به نظر ما این رمی مجزی نیست و چه فرقی با طواف و سعی می کند که گفته اند استنابه لازم است؟ زیرا ظاهر روایات، اسقاط مباشرت رمی است، اما حیث عبادیت رمی مقتضی این است که استنادی به شخص مکلف داشته باشد.

البته نسبت به مغمی علیه که دلیل فرموده از طرف او رمی انجام می شود، استنابه لازم نیست، و وجه آن نیز روشن است، اما در مثل مریض نمی توان این حکم را پذیرفت.

بله، اگر نوبت به اصل عملی می رسید، مقتضای آن برائت از لزوم استنابه است، چون نمی دانیم بر رمی النائب بطلب من المنوب عنه واجب است یا لابشرط از طلب منوب عنه که برائت از شرط جاری می شود.

### مساله دوم: وجوب استنابه برای کسی که در اول روز قادر به رمی نیست

#### قول محقق خوئی ره

محقق خوئی فرموده افرادی که در اول روز قادر به رمی نیستند و یا بر آن ها حرجی است مطلقا، ولی احتمال می دهند اگر صبر کنند، مشکل بر طرف شود، باید نائب بگیرند و استصحاب استقبالی می گوید تا غروب آفتاب عجز از مباشرت در رمی و یا حرج مرتفع نمی شود، مگر این که کشف خلاف شود که در این صورت باید خودش رمی کند. (البته به نظر ایشان اگر رمی قسم جدید جمره ممکن باشد، باید آن را رمی کرده و نائب هم برای رمی قسم قدیم بگیرد)

##### مناقشه

ولی به نظر ما این مطلب ناتمام است، زیرا ظهور ادله در این است که موضوع استنابه، من عجز عن صرف الوجود الرمی فی النهار است و یا اقلا این مطلب محتمل است.

اگر کسی بداند دو ساعت دیگر جمرات خلوت شده و قادر بر رمی جمره می شود، قطعا گفته می شود این شخص قادر بر رمی جمره یوم العید است، وصرفا بر رمی جمره اول صبح قادر نیست، مثل این می ماند که مولا به عبد خود در نصف شب که نانوایی ها بسته است، بگوید فردا نان بخر، صدق می کند که عبد همین الان قادر بر خرید نان در فردا است، با این که الان نانوایی ها بسته است.

اگر شک هم بکنیم، شبهه مصداقیه عجز و قدرت می شود و تمسک به دلیل استنابه، تمسک به عام در شبهه مصداقیه است، محقق خوئی زمان را قید عجز می گیرد و می گوید العاجز من اول النهار الی آخره عن رمی الجمرة العقبة یستنیب و با استصحاب استقبالی عجز یا حرج، مشکل را حل می کند، ولی ما می گوییم شاید زمان قید رمی جمره عقبه باشد، چون زمان شرط واجب است و مستصحب، حالت سابقه ندارد، چون اگر چند ساعت دیگر بر رمی جمره عقبه قادر باشد، الان صدق می کند این شخص قادر بر رمی جمره عقبه است و عجز، حالت سابقه ندارد که استصحاب استقبالی شود.

نکته

در مناسک محشی از قول آیت الله زنجانی نقل شده که رمی جمره عقبه حتی قسمی که از منی خارج است، صحیح است، ولی ایشان فرموده این مطلب صحیح نیست، بلکه فرموده مقداری از کم و زیاد شدن جمره قدیم، مخل نیست، چون در معرض توسعه کم بوده است، نه این که قضیه حقیقیه بدانیم و هر مقدار توسعه پیدا کند، کافی باشد.

## واجب دوم: ذبح یا نحر در منی

**2- الذبح أو النحر في منى و هو الخامس من واجبات حج التمتع‌**

**و يعتبر فيه قصد القربة و الايقاع في النهار و لا يجزيه الذبح أو النحر في الليل و ان كان جاهلا، نعم يجوز للخائف الذبح و النحر في الليل و يجب الاتيان به بعد الرمي و لكن لو قدّمه على الرمي جهلا أو نسيانا صح و لم يحتج إلى الاعادة و يجب أن يكون الذبح أو النحر بمنى و إن لم يمكن ذلك كما قيل انه كذلك في زماننا لاجل تغيير المذبح و جعله في وادي محسّر فان تمكن المكلف من التأخير و الذبح أو النحر في منى و لو كان ذلك إلى آخر ذي الحجة حلق أو قصر و احلّ بذلك و أخّر ذبحه أو نحره و ما يترتب عليهما من الطواف و الصلاة و السعي و إلا جاز له الذبح في المذبح الفعلي و يجزيه ذلك**.[[5]](#footnote-5)

جهات بحث

### جهت اول: وجوب هدی در حج تمتع و استحباب آن در حج افراد

هدی در حج تمتع واجب است ولی در حج افراد مستحب است و آیه شریفه هم فرموده: فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی[[6]](#footnote-6) که ظاهرش این است که هدیی که برای او میسور است را ذبح کند که اقل آن بر اساس روایت شاة است.

در صحیحه زرارة هم فرموده: وَ عَنْهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي الْمُتَمَتِّعِ قَالَ وَ عَلَيْهِ الْهَدْيُ قُلْتُ وَ مَا الْهَدْيُ- فَقَالَ أَفْضَلُهُ بَدَنَةٌ وَ أَوْسَطُهُ بَقَرَةٌ وَ آخِرُهُ شَاةٌ.[[7]](#footnote-7)

البته روایتی داریم که استثنائی به وجوب هدی در وجوب تمتع زده است: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ تَمَتَّعَ عَنْ أُمِّهِ وَ أَهَلَّ بِحَجَّةٍ عَنْ أَبِيهِ- قَالَ إِنْ ذَبَحَ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ- وَ إِنْ لَمْ يَذْبَحْ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْ‌ءٌ- لِأَنَّهُ إِنَّمَا تَمَتَّعَ عَنْ أُمِّهِ وَ أَهَلَّ بِحَجَّةٍ عَنْ أَبِيهِ.[[8]](#footnote-8)

ولی سند آن به سبب صالح بن عقبة ضعیف است، ابن غضائری آن را غالی کذاب دانسته است، فقط محقق خوئی فرموده این شخص در اسناد تفسیر قمی واقع شده است، اما کتاب ابن غضائری که علامه نقل می­کند، ثابت نیست، نجاشی نقل کرده که ورثه او، کتب ابن غضائری را تلف کرده اند، پس چگونه علامه حلی این کتاب را پیدا کرده است؟ لذا توثیق مستفاد از تفسیر قمی معارضی ندارد و به مضمون آن نیز فتوا داده است.

اما ما مبنای توثیق عام وقوع در تفسیر قمی را قبول نداریم.

### کلام شیخ طوسی ره: عدم وجوب هدی بر حاجی مکی

شیخ طوسی در مبسوط استثناء دیگری زده و فرموده اگر مکی حج تمتع بجا آورد، هدی لازم نیست، چون قرآن فرموده: فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی ... ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد، اقرب مرجعِ اسم اشاره ذلک، محمول در این قضیه است، یعنی وجوب هدی برای کسی است که مکی نباشد.

اما مشهور ذلک را به فمن تمتع می زنند و می گویند تمتع برای کسی است که مکی نباشد.

در جواهر آمده برخی گفته اند کلام شیخ طوسی عرفی است، مثلا اگر گفته شود من دخل داری فلیکرم ذلک ان لم یکن فاسقا، ظاهرش این است که مفاد قضیه شرطیه، مقید به قید است.

در ما نحن فیه نیز وجوب الهدی علی المتمتع مختص به غیر مکی است.

#### مناقشه در کلام شیخ طوسی ره

اما اشکال ما به کلام شیخ طوسی این است که؛

اولا: چندین روایت فرموده لیس لاهل مکة متعة و ذلک لقوله تعالی ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام.

ثانیا: در کلمات برخی همچون محقق خوئی آمده که ذلک، اشاره به بعید است، نه این که به مذکور قبل از آن بلافصل برگردد، و گرنه در این جا هذا بکار می رود و نه ذلک.

البته به نظر ما این اشکال به شیخ طوسی وارد نیست، زیرا شیخ طوسی می گوید بالاخره فاصله که افتاده است، زیرا بعد از فما استیسر من الهدی که ذلک بکار نرفته است، بلکه یک جمله کامل فاصله انداخته است.

لذا ما به نحو دیگر اشکال می کنیم که ذلک ظهور ندارد در این که به جزاء برگردد و چرا به شرط برنگردد؟ اگر کسی بگوید من دخل داری فیتغدی عندی فمن لم یکن جائعا فیاکل الفاکهة ذلک لمن کان مسافرا، در این جا عرف استظهار نمی کند که ذلک به جزاء بخورد که فیتغدی عندی باشد، بلکه مجمل است و عرف می گوید شاید به من دخل داری بخورد.

لذا اطلاقات روایات می گوید بر متمتع هدی واجب است و شامل مکی که تمتع او صحیح است هم می شود که مشهور بر مکی حج تمتع مستحب را مشروع می دانند، البته ما این را نیز مشروع نمی دانیم، مگر به برخی امصار رفته باشد و به میقات برگردد: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ- يَخْرُجُ إِلَى بَعْضِ الْأَمْصَارِ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَكَّةَ- فَيَمُرُّ بِبَعْضِ الْمَوَاقِيتِ أَ لَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ- قَالَ مَا أَزْعُمُ أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ لَهُ لَوْ فَعَلَ- وَ كَانَ الْإِهْلَالُ أَحَبَّ إِلَيَّ.[[9]](#footnote-9)

اما مکی در داخل مکه، حج تمتع مستحب او هم مشروع نیست.

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 75؛ 17 باب جواز الرمي عن المريض و المغمى عليه و الصبي و استحباب حملهم إلى الجمرة إن أمكن و بقية أحكام الرمي ؛ ج 14، ص : 74](http://lib.eshia.ir/11025/14/75) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 75؛ 17 باب جواز الرمي عن المريض و المغمى عليه و الصبي و استحباب حملهم إلى الجمرة إن أمكن و بقية أحكام الرمي ؛ ج 14، ص : 74](http://lib.eshia.ir/11025/14/75) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة، ج‌14، ص: 76‌](http://lib.eshia.ir/11025/14/76) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشيعة، ج‌14، ص: 76‌](http://lib.eshia.ir/11025/14/76) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 169‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/166) [↑](#footnote-ref-5)
6. [سوره بقره، آيه 196.](http://lib.eshia.ir/17001/1/30) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 101؛ 10 باب أنه يجزئ المتمتع شاة و يستحب الزيادة و التعدد و كذا الأضحية ؛ ج 14، ص : 100](http://lib.eshia.ir/11025/14/101) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 80؛ 1 باب وجوب الهدي على المتمتع دون غيره و أنه يجزيه شاة و كذا الأضحية ؛ ج 14، ص : 79](http://lib.eshia.ir/11025/14/80) [↑](#footnote-ref-8)
9. وسائل الشيعة؛ ج‌11؛ 263؛ 7 باب جواز التمتع للمكي إذا بعد ثم رجع فمر ببعض المواقيت ؛ ج 11، ص : 262 [↑](#footnote-ref-9)